


## ۱ دعا

**سرگروه:** دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خدا بیاورید.

## ۲ در میان گذاشتن برکات(۲۰ دقیقه)

**متی ۱۸: ۲۱-۲۱: ۴۶**

**به نوبت** و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز بخوانید.) آموخته های خود از قسمت مشخص شده (متی ۱۸: ۲۱- ۲۱: ۴۶) را بیان کنید. به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرف‌هایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، درمورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

## ۳ تعمق و حفظ کردن(۲۰ دقیقه)

**اطمینان از پیروزی- اول قرنتیان ۱۰-۱۳**

### الف- انگیزه‌ای برای حفظ کردن

**بخوانید:** متی ۱۹: ۳ – ۶، لوقا ۱۰: ۲۵- ۲۶

**کشف و گفتگو کنید:** چرا حفظ کردن آیات (عبارات یا فصل‌های) کتاب مقدس مهم است؟

**ملاحظات:** حفظ کردن آیات کتاب مقدس شما را قادر می‌سازد تا به سؤال‌های بشری، پاسخ‌های خدا را بدهید. (به ضمیمه ۵ / الف مراجعه کنید.)

## ب- تعمق

### ۱- یک وسوسه در عین حال می‌تواند یک آزمایش نیز باشد.

اصل واژه یونانی (peirasmos) را می‌توان «وسوسه» یا «آزمایش» ترجمه کرد. آزمایش (امتحان) چیزی است که خدا برای قوی‌تر و حکیم‌تر کردن شما طراحی می‌کند و همیشه باعث بنای شما می‌شود (یعقوب ۲:۱- ۴و ۱۲)، اما وسوسه چیزی است که برای به گناه انداختن شما طرح شده و همیشه زندگی‌تان را به شکست می‌کشاند. منشأ وسوسه می‌تواند طبیعت گناه‌آلود خود شما (یعقوب ۱۳:۱- ۱۵)، جهان غرق در گناه پیرامونتان (اول یوحنا ۱۵:۲- ۱۷) یا شیطان (لوقا ۱:۴- ۱۳) باشد. متن (اول قرنتیان ۶:۱۰- ۱۱) صراحتا از وسوسه‌هایی همچون بت‌پرستی، عیاشی، بی‌عفتی و شکوه کردن به حضور خدا یاد می‌کند. با این حال خدا چنان قدرتمند است که می‌تواند وسوسه برای انجام کاری بد را به آزمایشی (امتحانی) برای انجام کار خوب بدل نماید! همه اینها بستگی به این دارد که شما چه واکنشی نسبت به وسوسه نشان خواهید داد.

### ۲- منشأ و ماهیت تجربیات (وسوسه‌ها)

ب- همه مردم وسوسه‌های مشابهی را تجربه می‌کنند. همه می‌توانند وجود یک وسوسه را تشخیص دهند، چون در سرتاسر جهان و در تمام طول تاریخ بارها و بارها اتفاق میفتد.

### ۳- وفاداری خدا وقتی که وسوسه می‌شوید.

الف- خدا هیچگاه اجازه نمی‌دهد با وسوسه‌ای که فوق طاقت ماست رو به رو شویم. خدا بزرگتر از وسوسه‌های ماست و همچنین منصف می‌باشد. خدا هیچگاه نمی‌گذارد بیشتر از توانی که برای ایستادگی در برابر وسوسه داریم، تجربه شویم و خدا همیشه راهی برای فرار از آن وسوسه به ما می‌بخشد!

ب- خدا هیچگاه قوم خود را برای انجام گناه وسوسه نمی‌کند (یعقوب ۱۳:۱)، بلکه ممکن اجازه دهد که از سوی طبیعت گناه‌آلود، جهان آلوده به گناه پیرامونتان یا شیطان مورد وسوسه قرار گیرید! وقتی دعا

می‌کنیم «ما را در تجربه (وسوسه) میاور، بلکه از شریر رهایی ده» (متی ۶: ۱۳) از خدا می‌خواهیم که قاطعانه دخالت کند و به ما اجازه ندهد کاری را انجام دهیم که ذاتا مستعد آن هستیم. هرگاه به خدا اعتماد می‌کنیم و دعا می‌کنیم «خواهش می‌کنم که به من اجازه ورود به موقعیت‌های وسوسه‌کننده را نده» خدا هم ما را از آن موقعیت‌های شریرانه رهایی می‌بخشد (متی ۶: ۱۳).

پ- چرا خدا به ما اجازه می‌دهد که وسوسه شویم؟شیطان، دنیا و طبیعت گناه‌آلود، سعی می‌کنند که از وسوسه برای سقوط ما استفاده کنند، اما خدا از همان وسوسه‌ها (برای ارتکاب گناه) برای بنا کردن ما استفاده می‌کند. یک اتفاق خاص از نظر شیطان می‌تواند یک وسوسه باشد، اما از نقطه‌نظر خدا همیشه یک امتحان و یا آزمایش است. خدا می‌تواند اجازه دهد که شما با گناه به عنوان یک آزمایش (یا امتحان) تجربه شوید. بدون اینکه دوست داشته باشد شما در آن امتحان شکست بخورید. در چنین موقعیتی، می‌توانید دعا کنید: «خداوندا به من فیض خود را بده تا در امتحان تو مردود نشوم.» برای مثال خدا اجازه داد که ایوب تا آخرین مرحله تجربه شود، اما ایوب به خدا اعتماد کرد و در آخر تبدیل به مردی قویتر و بالغ‌تر شد.

ت- خدا همچنین می‌تواند این اجازه را بدهد که شخص طبیعت گناه‌آلود خودش را دنباله روی کند و به وسوسه بیفتد. خدا این حق را دارد که دخالت نکند. بخصوص درمورد کسانی که دعا نمی‌کنند، به خدا وابسته نیستند و نمی‌توانند به وفاداری خدا اعتماد کنند (یعقوب ۴: ۲) وسوسه برای آنها بسیار قوی است و آنها نمی‌توانند راهی برای فرار از آن پیدا کنند. برای مثال وقتی که مردم حقیقت را پنهان می‌کنند یا آن حقیقت را به دروغ تبدیل می‌کنند خدا هم آنها را به خواهش‌های گناه‌آلود قلبشان واگذار می‌کند (رومیان ۱: ۲۴- ۲۵). بدون خدا هیچ کس نمی‌تواند بر قدرت گناه پیروز شود.

## ۴ - راه‌های عملی برای فرار از وسوسه‌ها

الف- پیدایش ۱۲:۳۹. از منبع وسوسه فرار کنید. باید همواره از وسوسه‌های زیر بگریزید: بی‌عفتی (امثال ۱۴:۴- ۱۵و ۲۳- ۲۷، ۱:۵- ۲۳، اول قرنتیان ۱۴:۱۰)، بت‌پرستی (اول قرنتیان ۱۴:۱۰)، عشق به پول (اول تیموتاؤوس ۹:۶- ۱۱) و امیال شریرانه جوانی (دوم تیموتاؤوس ۲۲:۲، م.ک. اول پطرس ۳:۴- ۴).

ب- یعقوب ۷:۴- ۸. بی‌درنگ تسلیم خدا شوید (م.ک. عبرانیان ۱۸:۲). فورا به نزد خدا آمده دعا کنید (متی ۷:۷- ۱۱). سپس در برابر ابلیس بایستید و او از شما خواهد گریخت (اول‌پطرس ۵: ۸ - ۹).

پ- جامعه ۹:۴- ۱۰. بلافاصله برای مشارکتی مسیحی اقدام نمایید.

ت- مزمور ۹:۱۱۹و ۱۱. فورا به آن چیزهایی فکر کنید که موافق با افکار خداست. آیاتی از کتاب مقدس را حفظ نمایید و آنها را به کار برید، خصوصا در مواقعی که با افکار ناپاک، یا دروغ یا افکار منفی رودررو هستید.

ث- لوقا ۲۷:۶- ۲۸. در اولین فرصت ممکن با یک خادم مثبت مسیحی تماس بگیرید (متی ۳۸:۵- ۴۲). با دستان خود کاری مثبت انجام دهید یا به کسی خدمت نمایید (یوحنا ۳:۸- ۱۱).

ج- اعمال رسولان ۱۸:۱۶. از اقتدار روحانی خود استفاده کرده به شیطان فرمان دهید تا به نام عیسای مسیح دور شود (م.ک. متی ۳:۴- ۴).

چ- متی ۴۱:۲۶. بیدار باشید و دعا کنید. به ویژه هنگامی که خسته‌اید یا درگیر نبرد روحانی می‌باشید.

ح- اول تیموتاؤوس ۹:۶ . از بلندپروازی و عادات زشت بپرهیزید (ایوب ۱:۳۱).

خ- پیدایش ۹:۳۹- ۱۰. بی‌درنگ «نه!» بگویید از پیشنهادها و دسیسه‌های شیطانی دوری نمایید (یوحنا ۳:۸- ۸)

## پ- حفظ کردن و مرور نمودن

۱- **بنویسید:** آیه کتاب مقدس را روی یک کارت سفید یا روی صفحه دفترچه یادداشت خود بنویسید.

۲- **حفظ کنید:** آیه کتاب مقدس را به شیوه صحیح حفظ کنید. اطمینان از پیروزی- اول قرنتیان ۱۰: ۱۳

۳- **مرورکنید:** به گروه‌های دو نفری تقسیم شوید و آخرین آیه‌ای را که حفظ کرده‌اید از یکدیگر بپرسید.

## ۴ بررسی کتاب مقدس (۷۰ دقیقه)

## من کی هستم؟ افسسیان ۲۰ :۱-۲۲

با استفاده از روش ۵ گام بررسی کتاب مقدس، افسسیان ۲: ۱-۲۲ را با یکدیگر بررسی کنید.

**گام ۱: بخوانید**

**بخوانید:** افسسیان ۲: ۱- ۲۲ را با هم بخوانیم.

هر یک به نوبت یک آیه بخوانید تا تمام قسمت خوانده شود.

**گام ۲: کشف کنید**

**توجه کنید:** چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

**بنویسید:** یک یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید کشف نمایید، درمورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفتر یادداشت خود بنویسید.

**در میان بگذارید:** (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد (حدود دو دقیقه)، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند.) به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کردیم با یکدیگر در میان بگذاریم.

(موارد زیر، مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید: در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوما یکسان باشند.)

**کشف ۱)**

یک حقیقت مهم برای من در افسسیان ۲: ۸ و ۹ یافت می‌شود. من پی بردم که توسط فیض خدا نجات یافته‌ام و نه با کارهایی که انجام داده‌ام. قبل از اینکه عیسای مسیح را در قلبم و زندگی‌ام بپذیرم، اعتقاد

داشتم که بایستی هر روز وظایف مذهبی خودم را انجام دهم و همچنین به منظور خشنود کردن خدا کارهای خوب انجام دهم.

فکر می‌کردم اگر همه این کارها را انجام دهم، ممکن است خدا زندگی مرا روی زمین دولتمند و موفق بسازد و بعد از مرگ نیز مرا در بهشت بپذیرد. من قبلا رابطه خودم با خدا را یک رابطه قراردادی می‌دانستم؛ یعنی فکر می‌کردم اگر من کاری برای خدا بکنم او هم باید کاری برای من انجام دهد، اما پی بردم خدایی که خودش را در کتاب مقدس آشکار کرده است، مردم را با فیض خود نجات می‌دهد نه با کارهایی که آنها انجام می‌دهند. پی بردم که کار نجات‌بخش او برای من کامل و کافی است. همچنین پی می‌برم که نجات حقیقی یک هدیه کاملا مجانی است و هیچگاه قابل خریداری یا کسب کردن نمی‌باشد.

**کشف ۲)**

برای من یک حقیقت مهم در افسسیان ۲: ۱۸ یافت می‌شود. من پی بردم که واقعا به خدای زنده دسترسی دارم. بسیاری از مردم می‌گویند که خدا بسیار عظیم است و هیچ کس نمی‌تواند او را شخصا بشناسد، شخصا با او صحبت کند و شخصا با او راه رود. سایر مردم آرزو می‌کنند که با خدا ارتباط شخصی داشته باشند، اما علی‌رغم تلاش زیادشان آنها هرگز ارتباط مستقیم با خدا را تجربه نمی‌کنند، چون کلام او را نمی‌شنوند و اعمال او را نمی‌بینند و فکر می‌کنند که خدا وجود ندارد، اما کتاب مقدس می‌گوید که من می‌توانم کار خدا را در خلقت او ببینم، می‌توانم صدای او را در قلبم بشنوم و در موقعیت‌های مختلف زندگی‌ام توجه و مراقبت او را تجربه کنم.

کتاب مقدس می‌گوید که راهی درست برای برقراری ارتباط با خدای زنده وجود دارد. این راه، عیسای مسیح است. خدا که ساکن در نوری است که هیچ بشری نمی‌تواند به آن نزدیک شود، خود به من نزدیک گردید. خدا خود را مرئی ساخت و در عیسای مسیح و از طریق او نشان داد که کیست.

به علاوه خدا هر کاری را که برای نجات من لازم بود انجام داد. او عیسای مسیح را به عنوان قربانی که تمام گناهان مرا کفاره می‌کند، عطا کرد. وقتی ایمان آوردم که عیسای مسیح مجازات تمام گناهان مرا پرداخت کرد و بنابراین مرا در حضور خدا عادل شمرد، او را در قلبم و زندگی‌ام پذیرفتم. سپس روح عیسی آمد تا در من زندگی کند. این روح عیسای مسیح است که بین من و خدا ارتباط برقرار می‌کند. روح عیسای مسیح خدا را برای من آشکار ساخت و کمک می‌کند تا من با خدا مشارکت داشته باشم. روح عیسای مسیح در من زندگی می‌کند و باعث می‌شود که من حقیقت خدا، حضور او و نزدیکی به او را

تجربه کنم. از طریق روح عیسای مسیح من به حضور خدا دسترسی دارم. در حضور خدا می‌توانم بشنوم که او شخصا با من حرف می‌زند و من هم شخصا می‌توانم با او صحبت کنم و می‌توانم در حالی که یک رابطه شخصی با او را تجربه می‌کنم، زندگی کنم.

**گام ۳: سؤال کنید**

**توجه کنید:** در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارند که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟

سعی کنیم تمام حقایق مربوط به افسسیان ۲: ۱- ۲۲ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم، سؤال‌های خود را مطرح کنیم.

**بنویسید:** تا آنجایی که امکان دارد سؤال‌های خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفتر یادداشت خود بنویسید.

**در میان بگذارید:** (بعد از این که مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد (حدود دو دقیقه) اجازه دهید که هر کدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد.)

**گفتگو کنید:** (سپس چند سؤال را از بین همه سؤال‌ها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن درمورد آنها در گروه جوابی برای‌شان پیدا کنید. در ادامه نمونه‌هایی از سؤال‌هایی که شاگردان ممکن است بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است.)

**سؤال۱)** (افسسیان ۲: ۱) معنی عبارت «در خطایا و گناهان مرده بودید» چیست؟

**ملاحظات:**

این آیه شرح می‌دهد که من قبل از ایمان به عیسای مسیح چه کسی بودم. بدون عیسای مسیح از نظر «جسمانی» زنده اما از نظر «روحانی»، درون من مرده بود، البته من می‌توانستم بخورم، بنوشم، کار کنم، بخوابم، ولی روح درون من مرده بود. وقتی روح من مرده است نه تنها نمی‌توانم خدا را بشناسم، بلکه همچنین نمی‌توانم با او ارتباط شخصی داشته باشم.

چرا خدا یک غیر مسیحی را حتی اگر پایبند ارزش‌های اخلاقی باشد و کارهای خوب انجام دهد، «مرده» می‌خواند؟ یک غیرمسیحی می‌تواند ارزش‌های اخلاقی خوبی داشته باشد و کارهای خوب انجام دهد، اما چرا خدا او را مرده می‌نامد؟ یک غیرمسیحی می‌تواند دارای ارزش‌های اخلاقی باشد و کارهای خوب انجام دهد، چون او هنوز هم مخلوق خدای زنده است. خدا این توانایی‌ها را به او داده است حتی اگر او آنها را نشناسد. به هر صورت یک غیرمسیحی این کارها را به خاطر خدا یا در پیروی از او و وابستگی به او انجام نمی‌دهد. او به خدا اعتماد ندارد و از او نیز اطاعت نمی‌کند. او به خاطر هیچ چیز شکرگذار خدا نیست و در هیچ چیز نمی‌خواهد خدا را جلال دهد. هر کاری که یک غیرمسیحی انجام می دهد هیچ ارتباطی با خدایی ندارد که خود را در مسیح آشکار ساخت. یک غیرمسیحی برای خودش زندگی می‌کند، او کاملا مستقل از خدا زندگی می‌کند و این «استقلال از خدا» و «جدایی از خدا»، «مرگ روحانی» نامیده می‌شود.

**سؤال ۲)** (افسسیان ۲: ۱– ۴، ۱ – ۱۲) قبل از اینکه مسیحی شوم چه کسی بودم؟ مشخصه من به عنوان یک غیرمسیحی چه بود؟

**ملاحظات:**

قبل از اینکه به عیسای مسیح ایمان بیاورم، خصوصیات زیر را داشتم:

۱- از نظر روحانی مرده بودم. روح من هیچ آگاهی نسبت به خدا نداشت و فکر می‌کردم که خدا وجود ندارد. فکر می‌کردم که خدا ساخته افکار ضعیفان و دیگران است و من احتیاجی به او ندارم. یا به خدایی باور داشتم که ساخته و پرداخته برخی رهبران دینی بود.

۲- راه‌های دنیا را پیروی می‌کردم. شیوه زندگی و عادات انسان‌های اطرافم را تقلید می‌کردم کاری را انجام می‌دادم که اکثریت مردم فکر می‌کردند مهم و درست است. مالکیت، قدرت، شهرت و لذت، ارزش‌های بزرگ زندگی من بودند. من برای داشتن رفاه و موفقیت زندگی می‌کردم. من هم مثل دیگران به خاطر خودم زندگی می‌کردم.

۳- راه‌های شیطان را پیروی می‌کردم. درست مثل شیطان که همیشه دروغ می‌گوید من هم دروغ می‌گفتم. بعضی اوقات پیش فالگیران می‌رفتم و گاهی گردن بندهایی را به گردن میانداختم تا مرا از روح‌های شریر محافظت کنند.

۴- هوس‌های طبیعت گناه‌آلودم را ارضا می‌کردم. نسبت به پول طمع داشتم. از جوک‌های کثیف لذت می‌بردم. گاهی خشم خود را نمی‌توانستم کنترل کنم. بعضی اوقات کنترل چشمم را از دست می‌دادم. طبیعت درونی من فاسد بود.

۵- به عنوان یک بی‌ایمان خدا از من خشمگین بود. خدا از این استقلال، نااطاعتی، دنیادوستی و فساد داخلی متنفر بود.

۶- از مسیح جدا بودم. نمی‌دانستم که خدای زنده از طریق عیسای مسیح کار می‌کرد. من به آنچه سایر مذاهب درمورد عیسای مسیح می‌گفتند گوش می‌کردم بدون اینکه کشف کنم که عیسای مسیح در کتاب مقدس راجع به خودش چه چیزهایی گفته و انجام داده است و کاملا درک اشتباهی از عیسای مسیح داشتم و به پیروان مسیح بد و بیراه می‌گفتم.

۷- از تابعیت «اسرائیل» محروم شده بودم. کلمه اسرائیل در اینجا مترادف با قوم اسرائیل (در خاورمیانه) نیست. اسرائیل واقعی فقط شامل قوم خداست. قومی که به خدایی ایمان دارند که خود را در عیسای مسیح بر آنها آشکار نمود (رومیان ۹: ۶). من متعلق به قوم خدا نبودم و در نتیجه نمی‌توانستم در امتیازات مخصوص قوم خدا شریک باشم. بخصوص کتاب مقدس را نمی‌شناختم که دارای نبوت‌ها، وعده‌ها و راهنمایی‌های فوق‌العاده‌ای برای زندگی می‌باشد. همچنین حفاظت و هدایتی را که خدا به قومش داد، از دست دادم.

۸- من نسبت به عهدهای خدا غریبه بودم. خدا با قومش پیمانی بست. بارها و بارها خدا به آنها گفت: «من خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود.» خدا می‌خواست نجات‌دهنده و دوست آنها باشد. خدا می‌خواست آنها را همراهی کند درست مثل پدری که در تمام طول راهی که فرزندش باید برود همراه او است (تثنیه ۳۱:۱). خدا بارها و بارها این پیمان را برای قومش تأیید کرد. اما قبل از اینکه من پیغام انجیل را بشنوم هیچ وقت نشنیدم که خدا به من بگوید: «من دوست تو هستم.»

۹- ناامید بودم. هیچ هدفی برای زندگی‌ام نداشتم زندگی کاملا بی‌معنی به نظر می‌رسید. نمی‌دانستم که چرا اینجا هستم و به کجا می‌روم. همیشه احساس ناامنی و خطر می‌کردم.

۱۰- بدون خدا در این دنیا زندگی می‌کردم. زندگی‌ای داشتم که خدای زنده در آن هیچ جایی نداشت. تنها حقیقت موجود برای من، این دنیای جسمانی و مادی بود. خودم را بی‌دین می‌نامیدم. خود محور بودم. به عبارتی خودم، خدای خودم بودم.

**سؤال ۳)** (افسسیان ۲: ۴ - ۷) «با مسیح زنده گردانید، با او برخیزانید و در عیسای مسیح نشانید» یعنی چه؟

**ملاحظات:** کتاب مقدس اغلب می‌گوید که ایماندار با مسیح می‌میرد با مسیح قیام می‌کند و با مسیح در جای‌های آسمانی می‌نشیند. این بدان معنی است که هر آنچه برای مسیح اتفاق افتاد دارای اثری سریع بر مسیحیان است. معنی این کلمات این است که خدای پدر به ایمانداران در مسیح «مقام» و «موقعیت» جدیدی می‌بخشد.

۱- خدا به مسیحیان «وضعیت» و «مقام قانونی» مشابه مسیح را می‌بخشد. این را «پارساشمردگی» می‌نامند. خدای پدر به مسیحیان همانند مسیح نگاه می‌کند. وقتی خدا به مسیحیان نگاه می‌کند او فقط عدالت مسیح را می‌بیند. چون مسیح مرد، طبیعت کهنه و گناه‌آلود مسیحیان مرده است و همراه با مسیح محاکمه، محکوم، مصلوب و دفن شده است. چون مسیح زنده شد مسیحی نیز زنده شده است؛ یعنی او دوباره متولد شده و حالا دارای طبیعت تازه‌ای است چون مسیح به آسمان‌ها بالا برده شد جسم یک مسیحی نیز در آینده قیام خواهد کرد و در آسمان به او مکانی داده خواهد شد. آنچه برای مسیح اتفاق افتاد دقیقا برای هرکس که به مسیح ایمان می‌آورد اتفاق میفتد. مقام یک مسیحی تضمین می‌کند که خدا به تمام وعده‌های مربوط به زندگی جدید او عمل خواهد کرد.

۲- خدا به مسیحیان وضعیت تازه‌ای نیز می‌بخشد. این را «تقدیس شدن» می‌نامند. از طریق کار روح‌القدس (روح مسیح) در قلب یک مسیحی، او واقعا نسبت به گناه می‌میرد و زندگی جدیدی را بر روی زمین آغاز می‌کند. وضعیت یک مسیحی تضمین می‌کند که او حیات تازه را بیشتر و بیشتر تجربه خواهد کرد.

**سؤال ۴)** (افسسیان ۲: ۸- ۱۰) اگر کارهای خوب مرا نجات نمی‌دهند پس چرا باید همیشه در فکر انجام کارهای خوب باشم؟

**ملاحظات:**

۱- مسیح قبلا تنها کار خوبی را که برای نجات من ضروری بود، انجام داد. او مرد، قیام کرد و در آسمان به مکانی برده شد که هر که ایمان بیاورد در آنجا قرار می‌گیرد. او هر کاری را که برای نجات من ضروری بود به انجام رسانید. مسیح با مرگ خود، خشم خدا از گناهان مرا دور ساخت. گناهان مرا بخشید و از بندگی گناه آزاد نمود. پس چه کاری باقی ماند که من انجام دهم؟ وقتی من به مسیح ایمان می‌آورم فقط می‌توانم نجات را به عنوان هدیه‌ای کاملا مجانی

که مستحق آن نیستم، بپذیرم. من لایق نجات نیستم. من نمی‌توانم نجات را بدست بیاورم. نجات به من بخشیده می‌شود چون خدا مرا دوست دارد و نسبت به من رحیم است.

۲- اگر امکان داشت که کارهای خوب و مذهبی مرا نجات دهند، کارهای خوب و مذهبی من کار نجات‌بخش مسیح را کوچک شمرده و جلال او را از او می‌ربود.

می‌توانستم در روز داوری در مقابل خدا افتخار کنم و بگویم که من خودم را تا اندازه‌ای یا کاملا توسط کارهای خوبم یا اعمال مذهبی‌ام نجات داده‌ام. به هرحال کارهای خوب و اعمال مذهبی من به اندازه کافی خوب نیستند. اگر بخواهم از طریق کارهای خوبم و اعمال مذهبی خود عادل شمرده شوم پس خدا انتظار دارد که اعمال خوب من از هر نظر کامل و کافی باشد (غلاطیان ۳: ۱۰، یعقوب ۲: ۱۰)، اما زیرا هیچ کس در دنیا وجود ندارد که کارهایش تماما (۱۰۰٪) کامل و بی‌عیب باشد (رومیان ۳: ۱۰- ۱۲)، هیچ کس نمی‌تواند با کارهای خوب یا اعمال مذهبی خود در چشم خدا عادل شمرده شود (غلاطیان ۳: ۱۱)، هر شخص خواه بسیار مذهبی باشد یا صرفا یک انسان، از معیار کامل و بی‌عیب عدالت خدا سقوط کرده است. هیچ کس با کارهای خوب یا اعمال مذهبی خودش عادل شمرده نخواهد شد. هیچ کس قادر نخواهد بود در مقابل خدا فخر کند.

۳- به عنوان یک ایماندار من هنوز هم می‌خواهم که کارهای خوب انجام دهم ولی نه به این دلیل که برنجات من تأثیر دارد. من برای ابراز قدردانی خود از هدیه رایگان نجات خدا می‌خواهم کارهای خوب انجام دهم. خدا انواع کارهای خوبی را که مسیحیان بایستی در دنیا انجام دهند قبلاً آماده کرده است. این کارهای خوب در کتاب مقدس شرح داده شده‌اند. پس یک مسیحی واقعی دو کار خوب انجام می‌دهد:او کار کامل مسیح را در مرگ و قیامش که منجر به نجات او شد تمجید می‌کند و به عنوان ابراز تشکر خود از هدیه مجانی نجات خدا کارهای نیکو انجام می‌دهد.

**سؤال ۵)** (افسسیان ۲: ۱۶- ۲۲) حالا که به عیسای مسیح ایمان دارید چه کسی هستید؟مشخصات شما به عنوان یک مسیحی چیست؟

**ملاحظات:** حالا که به عیسای مسیح ایمان دارم دارای هویتی جدید، موقعیتی تازه و شرایطی جدید هستم (افسسیان ۲:۴- ۷). من دارای خصوصیات زیر می‌باشم:

۱- با خدا مصالحه داده شده‌ام و حالا با خدا در صلح و آشتی هستم (افسسیان ۱۳:۲).

۲- من با سایر مردم از نژادهای مختلف که آنها نیز به مسیح ایمان آورده‌اند مصالحه داده شده‌ام. حالا می‌توانم در صلح و آرامش با مردم از هر قومی در جهان زندگی کنم (افسسیان ۱۴:۲-۱۷).

۳- به حضور خدا آزادانه دسترسی دارم (افسسیان ۱۸:۲). من در حضور او ساکن هستم و حقیقت و نزدیکی او را تجربه می‌کنم. با او صحبت می‌کنم و وقتی با من صحبت می‌کند به او گوش می‌دهم و در زندگی روزانه‌ام با او گام می‌زنم (مزمور۱۶: ۸).

۴- همشهری قوم خدا هستم (افسسیان ۱۹:۲الف). یکی از اعضای ملکوت خدا می‌باشم. حالا من به بهترین پادشاهی در تمام طول تاریخ بشری متعلق هستم. این پادشاهی هر روز در حال گسترش است و به زودی تنها پادشاهی موجود در جهان خواهد شد (دانیال ۲: ۴۴).

۵- من یکی از اعضای خانواده خدا نیز هستم (افسسیان ۱۹:۲ب). خاندان یا خانواده خدا در دنیا، کلیساست. من دارای این امتیاز هستم که خدا را «پدر آسمانی ما» خطاب کنم و من در سرتاسر جهان دارای «برادران و خواهران مسیحی» هستم. واژه‌های «پدر» و «برادران و خواهران» دارای معانی مادی نیستند، بلکه مفاهیم روحانی را تداعی می‌نمایند!

۶- قسمتی از معبد جدید خدا هستم (افسسیان ۲۰:۲- ۲۲) و این یک معبد سنگی نیست، بلکه معبد زنده‌ای است که همه مسیحیان مانند سنگهای زنده (اول پطرس ۳: ۴ - ۵) در آن قرار گرفته‌اند. خدا خودش از طریق روح‌القدس در این معبد زنده زندگی می‌کند، بنابراین خدا خودش از طریق روح‌القدس که «روح خدا، روح مسیح یا مسیح در من» است (رومیان ۹:۸-۱۰) در من و سایر مسیحیان زندگی می‌کند!

**گام ۴: به کاربیرید**

**توجه کنید:** کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است؟

**در میان بگذارید و بنویسید:** افکار خود را صریحا با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر بر اساس افسسیان ۲: ۱- ۲۲ تهیه کنید.

**توجه کنید:** خدا از شما می‌خواهد کدام یک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یک کاربرد مشخص بکنید؟

**بنویسید:** این کاربرد شخصی را در دفتر یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.

(فهرست زیرنمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس می‌باشند.)

## نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (افسسیان ۲: ۱ – ۲۲)

- ۲: ۱ – ۴ توجه داشته باشید که شما از نظر روحانی مرده بودید، چون راه‌های نادرست را در پیش گرفته بودید.
- ۲:۶ این عقیده را تمرین نمایید: «من در مسیح هستم. دیگر هرگز تنها نیستم!»
- ۲: ۵- ۸ توجه داشته باشید که شما واقعا با مسیح قیام کرده‌اید؛ یعنی کار نجات‌بخش کامل و بی‌عیب مسیح را پذیرفته‌اید. پس وقتی خدا به شما نگاه می‌کند فقط عدالت مسیح را می‌بیند.
- ۲: ۹ دقت کنید که آیا هنوز سعی می‌کنید رضایت خدا را با انجام کارهای خوب، شریعت، اعمال خوب یا مذهبی بدست آورید.
- ۲: ۱۰ کتاب مقدس را بخوانید و کشف کنید که کدام کارهای خوب است که خدا برای شما طراحی کرده است تا در آنها گام بردارید.
- ۲: ۱۴- ۱۷ توجه کنید که آیا شما هنوز به مسیحیان نژادهای دیگر با دیده حقارت نگاه می‌کنید.
- ۲: ۱۸ و ۳: ۱۲ رفتن به حضور خدا، گوش دادن به صدای او و حرف زدن آزادانه و با اطمینان را با او تمرین کنید.
- ۲: ۱۹ توجه کنید که آیا به خودتان به عنوان یکی از شهروندان ملکوت خدا و یکی از اعضای خانواده (خاندان) او نگاه می‌کنید.
- ۲: ۲۲ بر روی این حقیقت که خدا در کلیسا از طریق روح‌القدس ساکن است تعمق کنید.

**نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی**

الف- با کمک خدا دیگر نمی‌خواهم به کارهای خوب و اعمال مذهبی خودم اعتماد کنم، بلکه بر این حقیقت که عیسای مسیح به خاطر گناهان من مرد و حالا از طریق روح‌القدس در من زندگی می‌کند.

ب- با کمک خدا می‌خواهم نگرش خود را نسبت به مسیحیان سایر اقوام و زبان‌ها تغییر بدهم و در آینده به آنها به عنوان قسمتی از خانواده آسمانی خودم نگاه کنم.

**گام ۵: دعا کنید**

درمورد حقیقتی که خدا به ما در افسسیان ۲: ۱- ۲۲ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعایتان به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید، تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، درمورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

## ۵ دعا (۸دقیقه)
## دعای شفاعت

به دعا در گروه‌های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

## ۶ تکلیف منزل (۲ دقیقه)
## برای درس بعد

**(سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ ـ تعهد- به انجام یکی از کاربردهای امکان‌پذیر در این درس متعهد شوید.

۲ ـ رازگاهان- هر روز نیمی از یک فصل را از قسمت متی ۲۲: ۱- ۲۵: ۱۳ بخوانید. از روش حقیقت دلخواه استفاده کنید و یادداشت بردارید.

۳ ـ حفظ کردن- در باره این آیه جدید کتاب مقدس تعمق کنید و آن را حفظ نمایید:
اطمینان از پیروزی: اول قرنتیان ۱۰: ۱۳ (هر روز این آیه و آیات حفظی قبلی را مرور کنید.)

۴ ـ دعا- در این هفته برای یک شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).

۵ ـ آموخته‌های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود درمورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل یک دفتر (یا پوشه) درست کنید.